

شکایت کیفری

مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران

علیه

افراد بی‌نام / اشخاص ناشناس

درباره اتهام ارتکاب جنایت علیه بشریت
در جمهوری اسلامی ایران

تقدیم شده به

دادستان کل فدرال آلمان

(دادستان کل در دادگاه عالی فدرال)

درخواست آغاز تحقیقات ساختاری

بر اساس ماده ۷ قانون جرایم بین‌المللی آلمان (VStGB)



— نسخه عمومی
خلاصه اجرایی

خلاصه اجرایی درخواست شهريور ۱۴۰۵ (سپتامبر ۲۰۲۶) به دادستان کل فدرال آلمان برای آغاز تحقیقات ساختاری درباره وضعیت ایران در ارتباط با جنایات‌های ادعایی علیه بشریت توسط مقامات حکومتی ایران، از جمله در جریان اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۴۰۴



یادداشت مقدماتی

در ۱۰ شهریور ۱۴۰۵ (۱ سپتامبر ۲۰۲۶)، مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران (مجموعه فعالان)، با حمایت حقوقی سازمان آپرایتز و پس از بررسی متن درخواست توسط دو وکیل آلمانی، درخواستی را به دادستان کل فدرال آلمان ارائه کرد و خواستار آغاز تحقیقات ساختاری درباره جنایات‌های ادعایی علیه بشریت توسط مقامات حکومتی ایران، بر اساس ماده ۷ قانون جرایم علیه حقوق بین‌الملل آلمان (Völkerstrafgesetzbuch – VStGB)، شد.

این درخواست نزدیک به ۱۰۰ صفحه‌ای، حاصل ماه‌ها تحقیقات فشرده است و بر بیش از ۶۰ مصاحبه با قربانیان، شاهدان و اعضای خانواده‌ها در داخل ایران، ترکیه و کشورهای مختلف اروپا و آمریکای شمالی، در کنار مجموعه گسترده‌ای از شواهد اسنادی و دیجیتال و تحلیل دقیق سلاح‌های به‌کاررفته، عاملان مظنون، نهادهای دخیل و ساختارهای فرماندهی استوار است. این درخواست همچنین ۴۸ عامل مظنون را شناسایی کرده و نقش‌ها، وابستگی‌های سازمانی، ارتباط آنها با وقایع مستندشده و جایگاهشان در ساختارهای فرماندهی مسئول سرکوب را ترسیم می‌کند.

مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران آگاه است که پیش‌تر نیز از دادستان‌های آلمانی خواسته شده بود درباره جنایات‌های رخ داده در ایران تحقیق کنند. درخواست حاضر با ارائه شواهد تازه و قابل‌توجه درباره سرکوب در جریان اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ (دسامبر ۲۰۲۵ تا ژانویه ۲۰۲۶) و تشریح دلایل اینکه چرا آلمان اکنون در موقعیت مناسبی برای اقدام قرار دارد، بر تلاش‌های پیشین استوار شده است.

آنچه در ادامه می‌آید، مروری بر یافته‌های مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران است که خلاصه‌ای روشن و غیرمحرمانه از این درخواست ارائه می‌دهد.

مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران تأکید می‌کند که انجام این کار بدون شجاعت و اعتماد کم‌نظیر قربانیان، شاهدان، اعضای خانواده‌ها و کارشناسان، از جمله افرادی در داخل ایران که طی شش ماه گذشته تجربیات، شواهد و دانش تخصصی خود را با این مجموعه در میان گذاشته‌اند، امکان‌پذیر نبود.

خلاصه اجرایی

مقدمه

۱. در ۱۰ شهریور ۱۴۰۵ (۱ سپتامبر ۲۰۲۶)، مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران (مجموعه فعالان)، با حمایت حقوقی سازمان لاهه نهاد آپرایتز، درخواستی برای آغاز تحقیقات ساختاری درباره وضعیت ایران ارائه کرد. این تحقیقات، سرکوب گسترده و نظام‌مند اخیر توسط مقامات حکومتی ایران در جریان اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۴۰۴ (دسامبر ۲۰۲۵ تا ژانویه ۲۰۲۶) را نیز دربر می‌گیرد.

۲. اعتراضات سراسری ایران در فاصله دی‌ماه ۱۴۰۴، از ۷ دی ۱۴۰۴ (۲۸ دسامبر ۲۰۲۵) آغاز شد و در میانه بحران شدید اقتصادی، سقوط ارزش پول ایران، وخامت شرایط زندگی و ناکارآمدی‌های حکمرانی، به سرعت گسترش یافت. این اعتراضات با تجمع و تعطیلی کسب‌وکارها توسط مغازه‌داران و بازاریان در بازار بزرگ تهران آغاز شد و به سرعت به اعتراضی سراسری تبدیل شد که دست‌کم ۲۰۳ شهر در هر ۳۱ استان ایران را دربر گرفت.

مقامات حکومتی با سطحی بی‌سابقه از سرکوب به این اعتراضات پاسخ دادند. پس از ماه‌ها تحقیق، اطلاعات موجود نزد مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران نشان می‌دهد که این کارزار سرکوب، بر اساس آمار تأییدشده، دست‌کم ۷,۰۶۸ کشته بر جای گذاشته است؛ از جمله دست‌کم ۶,۵۴۸ معترض، ۲۳۶ کودک و ۷۷ رهگذر. همچنین دست‌کم ۵۳,۹۸۷ نفر بازداشت شدند.

اطلاعات مندرج در این درخواست نشان می‌دهد که ابعاد، گستره جغرافیایی و شدت سرکوب اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۴۰۴، شدیدترین و گسترده‌ترین کارزار سرکوب حکومتی علیه جمعیت ایران از زمان تأسیس جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۷ بوده است.

۳. اطلاعات ارائه‌شده توسط مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، بر داده‌هایی استوار است که با روشی دقیق و قربانی‌محور گردآوری و راستی‌آزمایی شده‌اند؛ روشی که این مجموعه طی نزدیک به دو

دهه مستندسازی نقض‌های جدی حقوق بشر و جرایم احتمالی بین‌المللی در ایران، آن را توسعه داده و تکمیل کرده است.

درخواست حاضر نشان می‌دهد قرائن واقعی کافی وجود دارد که مقامات حکومتی ایران مرتکب چندین عمل مجرمانه شده‌اند که ممکن است بر اساس ماده ۷ قانون جرایم علیه حقوق بین‌الملل آلمان (Völkerstrafgesetzbuch – VStGB)، جنایت علیه بشریت محسوب شوند. از این رو، نصاب مقرر در بند ۲ ماده ۱۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری آلمان (Strafprozessordnung – StPO) برای آغاز تحقیقات احراز شده است.

۴. درخواست حاضر استدلال می‌کند که با توجه به ابعاد سراسری، گستردگی و ماهیت نهادی جنایت‌های ادعایی، آغاز تحقیقات ساختاری درباره ایران اقدامی به‌ویژه مناسب است. چنین تحقیقاتی به مقامات دادستانی آلمان امکان می‌دهد ساختارهای واقعی و سازمانی گسترده‌تر زمینه‌ساز این جنایت‌ها را بررسی کنند؛ شواهد شاهدان، اسناد و شواهد دیجیتال را گردآوری و حفظ کنند؛ الگوهای مشترک میان وقایع جداگانه را شناسایی کنند؛ نقش نهادها و واحدهای حکومتی مرتبط را ترسیم کنند؛ زنجیره‌های فرماندهی و روابط نهادی را روشن سازند؛ و مسئولیت افرادی را ارزیابی کنند که ممکن است اعمال تشکیل‌دهنده این جنایت‌ها را طراحی، دستور، تسهیل یا اجرا کرده یا در آنها مشارکت داشته باشند. این اقدامات می‌تواند هر زمان که امکان اعمال صلاحیت فراهم شود، زمینه رسیدگی‌های کیفری آینده را مهیا کند.

۵. هرچند تمرکز اصلی درخواست بر اعتراضات سراسری و سرکوب پس از آن در فاصله دی‌ماه ۱۴۰۴ است، تحقیقات ساختاری درخواستی نباید به وقایع منفرد یا عاملان مشخص محدود شود. سرکوب اعتراضات سراسری سال گذشته رویدادی جداافتاده نبود، بلکه بخشی از الگوی گسترده‌تر و تکرارشونده سرکوب مخالفان و معترضان غیرنظامی توسط مقامات حکومتی ایران بود.

طی دو دهه گذشته، مقامات حکومتی ایران بارها در مواجهه با اعتراضات عمومی گسترده به استفاده نامتناسب و غیرقانونی از زور، بازداشت‌های خودسرانه، بازداشت‌های گسترده، ناپدیدسازی قهری، شکنجه و دیگر بدرفتاری‌ها و همچنین محدودیت‌های شدید بر آزادی‌های بنیادین متوسل شده‌اند.

بنابراین، درخواست حاضر استدلال می‌کند که تحقیقات ساختاری باید وضعیت گسترده‌تر ایران را نیز بررسی کند؛ به‌گونه‌ای که سرکوب دی‌ماه ۱۴۰۴ یکی از محورهای شواهد باشد و در عین حال، دادستانی آلمان بتواند الگوهای تکرارشونده جرایم بین‌المللی منتسب به مقامات حکومتی ایران، از جمله جرایم ارتكابی در جریان اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» در سال ۱۴۰۱ (۲۰۲۲)، را بررسی کند.

۶. وجود ارتباط کافی با آلمان نیز آغاز تحقیقات ساختاری را موجه‌تر می‌کند. این ارتباط از چند عامل ناشی می‌شود: حضور فعلی و ورود قابل پیش‌بینی قربانیان، شاهدان و دیگر شواهد مرتبط به آلمان و سایر نقاط اروپا؛ احتمال واقعی ورود عاملان مظنون به خاک آلمان یا عبور آنها از این کشور، به‌ویژه با توجه به سابقه تثبیت‌شده سفر مقام‌های کنونی و پیشین ایران به آلمان و دیگر کشورهای اروپایی؛ و سایر بسترهای حقوقی مربوطه.

بخش نخست: شرح وقایع

۷. مروری بر وضعیت: سرکوب خشونت‌بار اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۴۰۴

تازه‌ترین اعتراضات سراسری، بخش‌های مختلف جامعه ایران را دربر گرفت. مطالبات معترضان از نارضایتی‌های اقتصادی فراتر رفت و بازتاب‌دهنده مخالفت گسترده‌تر با کلیت ساختار سیاسی و شیوه حکمرانی در ایران بود. مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران ۶۸۲ رویداد اعتراضی، شامل ۶۲۷ تجمع خیابانی و ۵۵ تجمع دانشگاهی، ثبت کرد. این اعتراضات با کارزار سرکوبی سراسری و بی‌سابقه مواجه شد که نهادهای مختلف حکومتی، از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروهای بسیج، فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا)، نیروهای اطلاعاتی و امنیتی و دستگاه قضایی، در آن مشارکت داشتند.

۸. واکنش مقامات حکومتی ایران با استفاده گسترده از زور غیرقانونی و نامتناسب و دیگر اشکال سرکوب علیه معترضان عمدتاً مسالمت‌آمیز، رهگذران و دیگر غیرنظامیان همراه بود. این اقدامات شامل به‌کارگیری سلاح‌های نظامی، نیروی مرگبار و شیوه‌های خشونت‌آمیز برای پراکنده کردن جمعیت، کشتارهای غیرقانونی گسترده، بازداشت‌های خودسرانه و گسترده، از جمله بازداشت بدون امکان ارتباط با خارج، ناپدیدسازی قهری، شکنجه و دیگر اشکال بدرفتاری، اخذ اعترافات اجباری، محدود کردن ارتباطات و دسترسی به اطلاعات از طریق قطع سراسری اینترنت و خدمات تلفن همراه و تلفن ثابت، ارباب و تهدید خانواده‌های قربانیان، یورش به مراکز درمانی و محدود کردن ارائه خدمات پزشکی و همچنین اقداماتی برای پنهان کردن ابعاد و ماهیت جنایت‌های ارتكابی بود.

مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران دست‌کم ۷,۰۶۸ مورد مرگ، شامل ۶,۵۴۸ معترض، ۲۳۶ کودک و ۷۷ غیرنظامی دیگر، و همچنین دست‌کم ۵۳,۹۸۷ مورد بازداشت را مستند کرده است.

این مجموعه همچنین ۳۶۹ مورد اعتراف اجباری پخش‌شده توسط رسانه‌های دولتی و وابسته به حکومت را ثبت کرده است. این ارقام حداقل موارد راستی‌آزمایی‌شده هستند و مدعی بازتاب تمامی ابعاد این جرایم نیستند.

۹. اطلاعات گردآوری‌شده از وجود ارتباط میان قطع سراسری اینترنت و خدمات مخابراتی، خاموش کردن عامدانه روشنایی معابر عمومی و افزایش چشمگیر استفاده از نیروی مرگبار و دیگر اشکال زور غیرقانونی علیه غیرنظامیان حکایت دارد. مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران در نقاط مختلف کشور، یک شیوه عمل تکرارشونده را شناسایی کرده است: معترضان عمدتاً بی‌سلاح ابتدا به‌صورت مسالمت‌آمیز در فضاهای عمومی برای شعار دادن، آواز خواندن و رقصیدن تجمع می‌کردند و سپس مقامات حکومتی ایران سرکوبی خشونت‌بار و هماهنگ را آغاز می‌کردند.

در این عملیات از گاز اشک‌آور، سلاح‌های ساچمه‌زن، مهمات جنگی و دیگر اشکال زور مفرط علیه معترضان و رهگذران استفاده شد. تکرار روش‌هایی بسیار مشابه در نقاط جغرافیایی مختلف و با

مشارکت مقامات حکومتی ایران، نشان‌دهنده وجود الگویی هماهنگ از رفتار است، نه مجموعه‌ای از وقایع جداگانه.

۱۰. وجود دستورها و اظهارات علنی مقام‌های بلندپایه حکومت ایران، هماهنگ و سازمان‌یافته بودن کارزار سرکوب را بیش از پیش تأیید می‌کند. بنا بر گزارش‌ها، شورای عالی امنیت ملی ایران در ۱۹ دی ۱۴۰۴ (۹ ژانویه ۲۰۲۶) به نیروهای امنیتی دستور داد معترضان را «قاطعانه» و «بدون هیچ ملاحظه‌ای» سرکوب کنند و «به اعتراضات پایان دهند». سپس در ۲۷ دی ۱۴۰۴ (۱۷ ژانویه ۲۰۲۶)، علی خامنه‌ای، رهبر وقت جمهوری اسلامی، علناً اذعان کرد که «هزاران نفر» کشته شده‌اند و هم‌زمان از مقامات خواست "کمر فتنه‌گران را بشکنند".

این اظهارات، در کنار گسترده‌ترین قطع سراسری اینترنت و خدمات مخابراتی در ایران و همچنین دیگر دستورها و اظهارات علنی مقام‌های ایرانی در تشویق اقدامات سرکوبگرانه علیه معترضان مسالمت‌آمیز و مخالفان تلقی‌شده، قرائن بیشتری فراهم می‌کند که خاموشی دیجیتال بخشی از یک سیاست گسترده‌تر حکومتی بوده است؛ سیاستی که با هدف امکان‌پذیر و تسهیل کردن سرکوب خشونت‌بار اجرا شده و هم‌زمان با ایجاد مانع در مسیر مستندسازی، گزارش و راستی‌آزمایی نقض‌ها، به پنهان کردن ابعاد و ماهیت آنها کمک کرده است.

۱۱. مقامات حکومتی ایران منابع گسترده حکومتی را برای شناسایی، ردیابی و بازداشت افرادی که به شرکت در اعتراضات یا حمایت از آنها مظنون بودند، به کار گرفتند؛ از جمله با استفاده از تصاویر دوربین‌های مداربسته و پایش پهپادی. مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران مواردی را مستند کرده است که در آنها مقامات به محل کار معترضان و منازل خانواده‌هایشان یورش برده، افراد را با خشونت در خانه‌های شخصی بازداشت کرده و برای یافتن معترضان مظنون یا اعمال فشار بر آنان، اعضای خانواده را مورد آزار و ارباب قرار داده یا از دیگر روش‌های قهری علیه آنها استفاده کرده‌اند.

۱۲. افراد بازداشت‌شده در ارتباط با اعتراضات سراسری همچنین با نقض‌های جدی حق دادرسی عادلانه و تشریفات قانونی مواجه شده‌اند. این وضعیت نگرانی‌هایی را ایجاد می‌کند مبنی بر اینکه مقامات

حکومتی ایران از نظام عدالت کیفری به عنوان ابزاری دیگر برای سرکوب معترضان و مخالفان تلقی شده استفاده می کنند.

بنا بر گزارش ها، بازداشت شدگان از دسترسی به وکیل انتخابی محروم شده، بدون امکان ارتباط با خارج نگهداری شده، برای اعتراف تحت فشار و اجبار قرار گرفته و در روندهایی محاکمه شده اند که فاقد تضمین های اساسی دادرسی عادلانه و تشریفات قانونی بوده است. مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران مواردی را مستند کرده است که در آنها از رسیدگی های شتاب زده قضایی علیه معترضان متهم به جرایم مستوجب اعدام، از جمله «محاربه» («دشمنی با خدا»)، «افساد فی الارض» («فساد در زمین») و «بغی» («شورش مسلحانه»)، استفاده شده است.

ترکیب دست کم ۳۶۹ اعتراف اجباری و تلویزیونی، محدودیت دسترسی به وکیل، رسیدگی های شتاب زده و صدور احکام اعدام پس از محاکمه های آشکارا ناعادلانه، نگرانی جدی ایجاد می کند که اعدام نیز بخشی از کارزار گسترده تر سرکوب بوده و به عنوان ابزاری برای مجازات، ارباب و بازداشتن افراد از شرکت در اعتراضات یا حمایت از آنها به کار رفته است.

۱۳. وقایع نمونه که اعمال تشکیل دهنده جنایت علیه بشریت را نشان می دهند

درخواست حاضر بیش از ۵۰ واقعه نمونه را دربر می گیرد که در آنها شرحی تفصیلی از اعمال مجرمانه ادعایی در مناطق جغرافیایی مختلف، مشخصات گوناگون قربانیان و شاهدان، روش های به کار گرفته شده توسط مقامات حکومتی ایران و شرایط ارتکاب جنایت های ادعایی علیه بشریت ارائه شده است.

این وقایع بر مصاحبه های مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران با قربانیان، شاهدان، اعضای خانواده قربانیان و دیگر منابع مرتبط در داخل و خارج از ایران استوار است و نه تنها ارتکاب اعمال تشکیل دهنده جنایت علیه بشریت، بلکه ماهیت گسترده و نظام مند سرکوب خشونت بار معترضان مسالمت آمیز و

دیگر غیرنظامیان توسط مقامات حکومتی ایران در جریان اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۴۰۴ را نشان می‌دهد.

وقایع منتخب شامل این ادعاهاست: کشتار غیرقانونی و تیراندازی گسترده به معترضان و رهگذران، از جمله کودکان؛ وارد کردن آسیب شدید با استفاده از مهمات جنگی، سلاح‌های ساچمه‌زن، گاز اشک‌آور و دیگر اشکال زور مفرط علیه معترضان عمدتاً بی‌سلاح؛ بازداشت خودسرانه و گسترده؛ شکنجه و دیگر رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز در کلانتری‌ها، بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها؛ ضرب‌وشتم شدید، بازجویی اجباری و اخذ اعترافات اجباری؛ ناپدیدسازی قهری و بازداشت بدون امکان ارتباط با محیط خارج؛ آزار و تعقیب سیاسی معترضان و افرادی که حامی اعتراضات تلقی شده‌اند؛ خشونت جنسی و دیگر اشکال آزار جنسی علیه زنان در بازداشت؛ ارباب، آزار و اجبار خانواده‌های قربانیان؛ دخالت حکومت در مراسم تشییع، ترتیبات خاکسپاری و تحویل اجساد؛ هتک حرمت یا رفتار تحقیرآمیز با اجساد قربانیان، از جمله انباشتن اجساد در کامیون‌ها برای انتقال؛ و صدور احکام اعدام پس از محاکمه‌های آشکارا ناعادلانه علیه معترضان، به‌عنوان ابزاری دیگر برای سرکوب.

این وقایع نمونه، جامع نیستند و تنها بخشی از شواهدی را تشکیل می‌دهند که مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران برای نشان دادن الگوهای گسترده‌تر رفتار مجرمانه در جریان اعتراضات سراسری، گردآوری و حفظ کرده است.

۱۴. شناسایی ۴۸ عامل مظنون، نقش آنها و ساختارهای فرماندهی

درخواست حاضر همچنین ۴۸ عامل مظنون را شناسایی کرده و جایگاه، وابستگی سازمانی، حوزه جغرافیایی مسئولیت، ارتباط آنها با وقایع نمونه مشخص و نقششان در ساختارهای فرماندهی مرتبط را تحلیل می‌کند.

افراد شناسایی‌شده، اعضای کنونی یا پیشین نهادهای حکومتی ایران هستند و ادعا می‌شود که یا مستقیماً در سرکوب خشونت‌بار اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۴۰۴ در ایران مشارکت داشته‌اند، یا ارتکاب

جنایت علیه بشریت در این بستر را طراحی، هدایت، هماهنگ یا دستور داده یا به شکل دیگری در آن سهیم بوده‌اند.

در میان این افراد، فرماندهان سپاه پاسداران، بسیج و فراجا، رؤسای ادارات اطلاعات، استانداران، مسئولان زندان‌ها و مقامات دادستانی و قضایی دیده می‌شوند.

شناسایی عاملان مظنون بر اطلاعات پایگاه داده «دادگستر»، پایگاه داده «پروژه مستندسازی پاسداران» و دیگر مستندات مرتبط مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استوار است.

بسته به نقش و میزان مشارکت هر فرد، رفتار او ممکن است شرایط مسئولیت کیفری به عنوان مباشر یا شریک جرم ذیل ماده ۲۵ قانون جزای آلمان (Strafgesetzbuch – StGB)، تحریک کننده ذیل ماده StGB۲۶، معاون جرم ذیل ماده StGB ۲۷ یا مسئول مافوق ذیل ماده ۴ قانون جرایم علیه حقوق بین الملل آلمان (VStGB) را برآورده کند.

بخش دوم: توصیف حقوقی - جنایت علیه بشریت ذیل ماده ۷ قانون VStGB

۱۵. درخواست حاضر نتیجه می‌گیرد که بر اساس اطلاعات موجود، قرائن واقعی کافی وجود دارد که مقامات حکومتی ایران در جریان اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۴۰۴، مرتکب چندین عمل تشکیل دهنده جنایت علیه بشریت به تعریف ماده ۷ قانون VStGB شده‌اند.

۱۶. **کشتن و وارد کردن آسیب شدید جسمی یا روانی:** بنا بر گزارش‌ها، مقامات حکومتی ایران علیه معترضان مسالمت‌آمیز و رهگذران از زور مفرط، غیرقانونی و نامتناسب استفاده کرده‌اند؛ از جمله تیراندازی هدفمند از فاصله نزدیک، شلیک «تیر خلاص» به معترضان زخمی در خیابان‌ها و بیمارستان‌ها، استفاده بی‌ضابطه از مهمات جنگی، ساچمه و گازهای محرک و همچنین حملات فیزیکی با باتوم، قمه و چاقو.

۱۷. **شکنجه و وارد کردن آسیب شدید جسمی یا روانی:** بنا بر گزارش‌ها، معترضان و بازداشت‌شدگان هنگام دستگیری و در دوران بازداشت، با اهدافی از جمله ارباب، مجازات و گرفتن اعترافات اجباری، تحت آزار جسمی و روانی قرار گرفته‌اند. این موارد شامل اذیت و ضرب‌وشتم نیز بوده است.

۱۸. **محرومیت گسترده از آزادی:** بنا بر گزارش‌ها، مقامات حکومتی ایران بیش از ۵۳,۹۸۷ معترض و افرادی را که حامی اعتراضات تلقی می‌شدند یا همسو با ایدئولوژی سیاسی حکومت دانسته نمی‌شدند، بدون رعایت تشریفات قانونی یا برخورداری از مبنای حقوقی و با نقض حقوق بنیادین دادرسی، به صورت خودسرانه بازداشت و زندانی کردند.

۱۹. **ناپدیدسازی قهری:** در برخی موارد، بنا بر گزارش‌ها، بازداشت‌شدگان در بازداشتگاه‌های ثبت‌نشده یا غیررسمی و بدون امکان ارتباط با خارج نگهداری شده‌اند، از دسترسی به وکیل محروم بوده‌اند و اجازه تماس با خانواده‌های خود را نداشته‌اند. هم‌زمان، مقامات، اطلاعات مربوط به سرنوشت یا محل نگهداری آنان را پنهان کرده یا از ارائه آن خودداری کرده‌اند. محدودیت‌های مشابهی درباره افرادی نیز گزارش شده است که در زندان‌ها و بازداشتگاه‌های رسمی نگهداری می‌شدند و خانواده‌های آنها نمی‌توانستند درباره دستگیری، بازداشت، سرنوشت یا محل نگهداری آنان اطلاعاتی به دست آورند.

۲۰. **تجاوز و دیگر اشکال خشونت جنسی:** بنا بر گزارش‌ها، برخی از زنانی که در ارتباط با اعتراضات سراسری بازداشت شده بودند، در زمان بازداشت یا زمانی که تحت کنترل مقامات حکومتی ایران قرار داشتند، هدف تعرض جنسی و تجاوز قرار گرفته‌اند. موارد مستندشده شامل ادعاهایی است مبنی بر اینکه زنان بازداشت‌شده مجبور شده‌اند تمام لباس‌های خود را درآورند و در راهروهای بازداشتگاه، در حضور بازداشت‌شدگان مرد، برهنه بمانند؛ مردانی که بنا بر گزارش‌ها، توسط مقامات نیز به تماشای آنها وادار شده‌اند. همچنین گزارش‌هایی درباره تجاوز و تعرض جنسی به زنان جوان در دوران بازداشت منتشر شده است.

این اعمال ادعایی با الگوهای خشونت جنسی که پیش‌تر مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران در جریان اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» در سال ۱۴۰۱ (۲۰۲۲) مستند کرده، همخوانی دارد و باید در هرگونه تحقیقات بعدی به‌طور ویژه مورد توجه قرار گیرد.

۲۱. هدف قرار دادن قربانیان به‌دلیل هویت گروهی یا جمعی آنان با انگیزه سیاسی: در ارتباط با دیگر اعمال تشکیل‌دهنده جنایت علیه بشریت که در بالا به آنها اشاره شد، بنا بر گزارش‌ها، مقامات حکومتی ایران شرکت‌کنندگان در اعتراضات سراسری، حامیان اعتراضات، افرادی را که حامی اعتراضات تلقی می‌شدند یا کسانی را که ناسازگار با ایدئولوژی سیاسی حکومت می‌پنداشتند، با محرومیت‌های شدید و متعدد از حقوق بنیادین مواجه کرده‌اند.

این حقوق شامل حق حیات، آزادی و امنیت فردی، آزادی بیان، تجمع و تشکل مسالمت‌آمیز، حریم خصوصی، مشارکت در امور عمومی و آزادی دین یا عقیده است. نقض این حقوق در مجموع می‌تواند مصداق آزار و تعقیب سیاسی باشد.

۲۲. نحوه رفتار با قربانیان جان‌باخته و خانواده‌های آنان: افزون بر این، بنا بر گزارش‌ها، مقامات حکومتی ایران عامدانه مانع برگزاری مراسم تشییع یا سوگواری خانواده‌های داغدار مطابق خواست آنان شده و محدودیت‌هایی بر ترتیبات خاکسپاری اعمال کرده‌اند. در چندین مورد، خانواده‌هایی که برای تحویل گرفتن پیکر بستگان خود اقدام کرده بودند، با ارباب، اجبار و فشار توسط مقامات حکومتی ایران مواجه شدند.

این فشارها شامل درخواست پول به‌عنوان شرط تحویل پیکر، تلاش برای تطمیع خانواده‌ها با هدف معرفی بستگان جان‌باخته خود به‌عنوان «شهید» و حامی حکومت و همچنین فشار برای پذیرش معرفی جان‌باختگان به‌عنوان اعضای سپاه پاسداران یا بسیج بوده است؛ به‌گونه‌ای که بنا بر گزارش‌ها، تحویل پیکر به رضایت خانواده‌ها با این موارد یا پرداخت پول مشروط می‌شده است.

همچنین گزارش شده است که مقامات حکومتی ایران اجساد قربانیان را مثله کرده یا به شیوه‌های دیگری هتک حرمت کرده و با آنها رفتاری تحقیرآمیز یا نامناسب داشته‌اند؛ از جمله جابه‌جایی جمعی و بی‌احترامانه اجساد.

این اعمال می‌تواند شواهدی از آزار و تعقیب با انگیزه سیاسی باشد که نقض حق احترام به کرامت انسانی را دربر می‌گیرد؛ از جمله حق خانواده‌ها برای برخورد انسانی با آنان و سوگواری و خاکسپاری عزیزانشان با حفظ کرامت، و همچنین تحمیل رنج شدید روانی بر خانواده‌های قربانیان و جوامع آسیب‌دیده.

۲۳. در چارچوب حمله‌ای گسترده یا نظام‌مند علیه جمعیت افراد غیرنظامی: موارد متعدد مستندشده از اعمال تشکیل‌دهنده جنایت علیه بشریت، در مجموع ظاهراً یک حمله را تشکیل می‌دهند. قطع هماهنگ و سراسری اینترنت و ارتباطات مخابراتی، در کنار خاموش کردن عامدانه روشنایی معابر عمومی هنگام سرکوب اعتراضات و انجام این حملات در هر ۳۱ استان و دست‌کم ۲۰۳ شهر، نشان می‌دهد که این اقدامات وقایعی جداگانه نبوده‌اند.

۲۴. اعمال شرح‌داده‌شده در بالا بر اساس مخالفت مفروض افراد با حکومت، علیه بخش مشخصی از جمعیت غیرنظامی ایران، یعنی معترضان و رهگذران، صورت گرفته و بنابراین، برای اهداف تعریف جنایت علیه بشریت، حمله‌ای علیه جمعیت غیرنظامی محسوب می‌شود.

در جریان اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۴۰۴، مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران دست‌کم ۷,۰۶۸ مورد مرگ تأییدشده، دست‌کم ۵۳,۹۸۷ مورد بازداشت و دست‌کم ۳۶۹ مورد اعتراف اجباری را مستند کرده است؛ آماري که گستردگی این حمله را نشان می‌دهد.

۲۵. با توجه به مشارکت هماهنگ نهادهای متعدد حکومتی ایران، از جمله سپاه پاسداران، بسیج، فراجا، نیروهای امنیتی و اطلاعاتی و دستگاه قضایی، به نظر می‌رسد این حمله طراحی و هماهنگ شده

و با استفاده گسترده از منابع عمومی انجام گرفته است؛ امری که نظام‌مند بودن آن را نیز نشان می‌دهد.

۲۶. شیوه ارتکاب، زمینه و هدف جنایت‌ها همچنین نشان می‌دهد که این حمله توسط مقامات حکومتی ایران و در راستای یک سیاست حکومتی یا بر اساس آن انجام شده است؛ موضوعی که دستورها و اظهارات علنی مقام‌های بلندپایه حکومت ایران نیز بر آن دلالت دارد. این دستورها و اظهارات علنی نشان‌دهنده آگاهی و هماهنگی در سرکوب معترضان مسالمت‌آمیز و افرادی است که حامی اعتراضات یا مخالف حکومت تلقی می‌شدند.

این موضوع همچنین نشان می‌دهد قرائن واقعی کافی وجود دارد که مقامات حکومتی ایران با علم و قصد لازم اقدام کرده‌اند. ابعاد سراسری، سازمان‌یافتگی و ماهیت نظام‌مند این حمله نیز نشان می‌دهد که مقامات حکومتی ایران نمی‌توانسته‌اند بدون آگاهی از سطح بی‌سابقه سرکوب و شرایط ارتکاب اعمال تشکیل‌دهنده آن، دست به چنین اقداماتی زده باشند.

بخش سوم: وجود ارتباط کافی با آلمان و توجیه آغاز تحقیقات ساختاری

۲۷. بر اساس قانون VStGB، هیچ مانع حقوقی برای آغاز تحقیقات ساختاری توسط دادستان کل فدرال آلمان درباره جنایت‌های ادعایی علیه بشریت در جریان اعتراضات سراسری ایران در فاصله دی‌ماه ۱۴۰۴ وجود ندارد. بر اساس اصل الزام به تعقیب، مقامات دادستانی آلمان مکلف‌اند درباره اعمال متعددی که در بالا شرح داده شد و ممکن است ذیل ماده ۷ VStGB جنایت علیه بشریت محسوب شوند، تحقیق کنند؛ زیرا نصاب مقرر در بند ۲ ماده ۱۵۲ StPO برای آغاز تحقیقات احراز شده است.

۲۸. هرچند دادستان کل فدرال آلمان بر اساس قانون VStGB در شرایط خاص اختیار دارد از اعمال صلاحیت خودداری کند، درخواست حاضر استدلال می‌کند که وجود ارتباط کافی میان جنایت‌های ادعایی و آلمان، به‌طور قاطع آغاز تحقیقات ساختاری درباره وضعیت ایران را توجیه می‌کند.

۲۹. نبود چشم‌اندازی واقعی برای پاسخگویی در ایران یا نزد دیوان کیفری بین‌المللی: در حال حاضر هیچ مسیر داخلی قابل‌اتکایی در ایران برای تحقیق و تعقیب جنایت‌های ادعایی علیه بشریت توسط مقامات حکومتی ایران وجود ندارد. نظام قضایی ایران از استقلال و بی‌طرفی لازم برای تحقیق درباره این جنایت‌های ادعایی برخوردار نیست و در عوض، با تسهیل بازداشت‌های خودسرانه، حبس نا عادلانه و نقض نظام‌مند تضمین‌های دادرسی عادلانه و تشریفات قانونی، نقشی محوری در سرکوب معترضان ایفا می‌کند.

از آنجا که ایران عضو اساسنامه رم نیست و اعلامیه‌ای برای پذیرش صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی تسلیم نکرده است، این دیوان درباره جرایم ارتكابی در ایران صلاحیت ندارد؛ مگر آنکه شورای امنیت سازمان ملل متحد پرونده را به دیوان ارجاع دهد که احتمال آن بسیار اندک است.

۳۰. احتمال واقعی ورود یا حضور عاملان مظنون در آلمان یا دیگر نقاط اروپا: دلایل مشخصی وجود دارد که نشان می‌دهد افراد احتمالاً مسئول جنایت‌های ارتكابی در جریان اعتراضات سراسری ممکن است در آینده در آلمان یا دیگر کشورهای اروپایی حضور یابند. مستندات مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران نشان می‌دهد که مقام‌های ارشد کنونی و پیشین سپاه پاسداران، دولت و دستگاه قضایی، بارها با انگیزه‌های شخصی، خانوادگی یا پزشکی به آلمان و دیگر نقاط اروپا سفر کرده‌اند.

این الگوهای سفر نشان می‌دهد که نبود یک مظنون شناسایی‌شده در حال حاضر در خاک آلمان، احتمال واقعی ورود افراد ادعائاً مسئول این جنایت‌ها به آلمان یا عبور آنها از این کشور یا دیگر حوزه‌های قضایی اروپا را منتفی نمی‌کند. آغاز تحقیقات ساختاری تضمین می‌کند که در زمان ورود یا عبور مظنونان احتمالی از آلمان، چارچوب شواهد و تحقیقات لازم از پیش فراهم باشد.

۳۱. شواهد موجود در آلمان و سراسر اروپا: قربانیان، شاهدان و اعضای خانواده افرادی که در جریان اعتراضات سراسری کشته، زخمی، شکنجه، به‌صورت خودسرانه بازداشت یا به‌شکل دیگری آسیب دیده‌اند، هم‌اکنون در اروپا و ترکیه حضور دارند. مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران با قربانیان و شاهدانی مصاحبه کرده است که پس از اعتراضات از ایران گریخته‌اند و اکنون در حال رسیدن به

کشورهای اتحادیه اروپا هستند یا در کشورهایی حضور دارند که امکان مصاحبه با آنها وجود دارد. این مجموعه همچنین با اعضای خانواده قربانیان ساکن اروپا و دیگر نقاط گفت‌وگو کرده است.

با ادامه آوارگی و نیاز به حمایت، احتمالاً شمار قربانیان و شاهدان حاضر در اروپا افزایش خواهد یافت و آلمان یکی از مقصدهای اصلی اتباع ایرانی جویای حمایت در خارج از کشور است. بنابراین، شواهد شاهدان هم‌اکنون در دسترس است یا می‌توان پیش از نابودی، مخدوش شدن یا خارج شدن آن از دسترس، با همکاری کشورهای اروپایی به‌سادگی آن را گردآوری کرد.

هیئت مستقل بین‌المللی حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد درباره جمهوری اسلامی ایران، که مشخصاً مأموریت دارد دسترسی به شواهد گردآوری‌شده را برای استفاده در هرگونه رسیدگی حقوقی مستقل تضمین کند، نیز می‌تواند شواهد تکمیلی در اختیار تحقیقات ساختاری قرار دهد.

۳۲. جامعه ایرانیان خارج از کشور و همکاری قضایی: آلمان میزبان بزرگ‌ترین جامعه ایرانیان خارج از کشور در اروپا و شمار قابل‌توجهی از پناهندگان ایرانی و دارندگان اجازه اقامت است. این وضعیت فرصت مهمی فراهم می‌کند تا پیش از نابودی شواهد یا دشوارتر شدن دسترسی به شاهدان، اظهارات شاهدان، اسناد و دیگر مدارک گردآوری و حفظ شوند.

تحقیقات ساختاری همچنین می‌تواند همکاری قضایی و تلاش‌های تحقیقاتی هماهنگ با دیگر حوزه‌های قضایی اروپا را که جمعیت قابل‌توجهی از ایرانیان خارج از کشور در آنها زندگی می‌کنند، تسهیل کند. چنین همکاری‌ای می‌تواند به شناسایی و مصاحبه با قربانیان و شاهدان و همچنین گردآوری و حفظ شواهد برای رسیدگی‌های آینده کمک کند.

۳۳. سرکوب فرامرزی مؤثر بر آلمان: آلمان یکی از اهداف مهم سرکوب فرامرزی مورد حمایت حکومت ایران شناخته شده است. عوامل حکومتی ایران، از جمله سپاه پاسداران، نیروی قدس، وزارت اطلاعات و شبکه‌های نیابتی وابسته، با اقداماتی از جمله نظارت، ارباب، تهدید، تلاش برای ربایش و طرح‌های ترور علیه افرادی مرتبط دانسته شده‌اند که مخالف یا منتقد حکومت ایران تلقی می‌شوند.

اعضای جامعه ایرانیان خارج از کشور در خاک آلمان با تهدید و ارباب مواجه شده‌اند. همچنین بنا بر گزارش‌ها، شهروندان دوتابعیتی ایرانی-آلمانی در ایران هدف آزار، ربایش، بازداشت خودسرانه، شکنجه و دیگر بدرفتاری‌ها و در شدیدترین موارد، اعدام قرار گرفته‌اند.

برخی عوامل حکومتی دخیل در سرکوب جمعیت غیرنظامی در داخل ایران، با افزایش فعالیت‌های فرامرزی علیه مخالفان و منتقدان حکومت در خارج از کشور نیز مرتبط دانسته شده‌اند.

۳۴. منافع مشروع آلمان و حمایت از اتباع آلمانی: جایگاه آلمان به‌عنوان میزبان بزرگ‌ترین جامعه ایرانیان خارج از کشور در اروپا، همراه با مواجهه فزاینده این کشور با فعالیت‌های اطلاعاتی و سرکوب فرامرزی حکومت ایران، منافع مشروع آلمان برای آغاز تحقیقات ساختاری را بیش از پیش تقویت می‌کند.

چنین تحقیقاتی به مقامات آلمانی امکان می‌دهد نه تنها جنایت‌های ادعایی ارتكابی در ایران در جریان اعتراضات سراسری، بلکه ساختارهای نهادی و افراد مسئول سرکوب فرامرزی مرتبط را که اتباع و قلمرو آلمان را تحت تأثیر قرار داده‌اند، به‌صورت جامع بررسی کنند.

۳۵. شکایت‌های کیفری موجود درباره اقدامات ارتكابی در ایران علیه اتباع آلمان هم‌اکنون در دست رسیدگی است: درخواست حاضر استدلال می‌کند که تحقیقات ساختاری گسترده‌تر به دادستان کل فدرال آلمان امکان می‌دهد ضمن رسیدگی به شکایت‌های فردی، شواهد لازم برای پرونده‌های آینده با ارتباط کافی با آلمان را نیز گردآوری و حفظ کند.

تجربه تحقیقات ساختاری آلمان درباره سوریه و اوکراین نشان می‌دهد که این سازوکار می‌تواند ابزاری مؤثر برای گردآوری و حفظ شواهد، شناسایی و پیوند دادن الگوهای گسترده‌تر رفتار مجرمانه و تسهیل پاسخگویی کیفری در بلندمدت باشد.

پیش‌تر نیز از دادستان‌های آلمانی خواسته شده بود تحقیقات ساختاری درباره جنایت‌های ارتكابی در ایران آغاز کنند. درخواست حاضر با ارائه اطلاعات واقعی بیشتر، شناسایی قربانیان و شاهدان و معرفی

عاملان احتمالی مرتبط با اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۴۰۴، این تلاش‌ها را تکمیل می‌کند و باید بر اساس شواهد و شرایط موجود در زمان حاضر مورد ارزیابی قرار گیرد.

بخش چهارم: نتیجه‌گیری

۳۶. درخواست حاضر می‌کوشد نشان دهد که قرائن واقعی کافی وجود دارد که سرکوب انجام‌شده توسط مقامات حکومتی ایران در جریان اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۴۰۴، حمله‌ای گسترده و نظام‌مند علیه جمعیت غیرنظامی بوده و چندین عمل را دربر گرفته است که ممکن است ذیل ماده ۷ قانون VStGB، جنایت علیه بشریت محسوب شوند.

۳۷. اطلاعاتی که مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران مستند و به دادستان کل فدرال آلمان ارائه کرده است، از جمله وقایع نمونه و شناسایی عاملان مظنون، می‌تواند مبنای واقعی برای آغاز تحقیقات ساختاری توسط دادستان کل فدرال آلمان درباره سرکوب گسترده و نظام‌مند انجام‌شده توسط مقامات حکومتی ایران در جریان اعتراضات سراسری باشد.

درخواست حاضر استدلال می‌کند که بر اساس اصل الزام به تعقیب، نصاب مقرر در بند ۲ ماده ۱۵۲ قانون StPO احراز شده است.

۳۸. وجود ارتباط کافی با آلمان، اعمال صلاحیت این کشور را نیز تقویت می‌کند. تحقیقات ساختاری امکان گردآوری و حفظ شواهد، به‌ویژه اظهارات قربانیان و شاهدان خارج از ایران، از جمله در اروپا، شناسایی عاملان مظنون، نقش‌ها و ساختارهای فرماندهی مرتبط با آنها و بررسی الگوهای گسترده‌تر رفتار مجرمانه را فراهم می‌کند. این تحقیقات همچنین از رسیدگی‌های جاری و آینده درباره افراد مرتبط با آلمان پشتیبانی خواهد کرد.

با توجه به ابعاد سراسری و شدت جنایت‌های ادعایی، نبود چشم‌اندازی واقعی برای پاسخگویی در دادگاه‌های داخلی ایران یا نزد دیوان کیفری بین‌المللی و وجود ارتباط کافی با آلمان، تحقیقات ساختاری

مسیری ضروری و مؤثر برای پیشبرد پاسخگویی درباره جنایت‌های ادعایی علیه بشریت در ایران محسوب می‌شود.

۳۹. با توجه به مطالب فوق، مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران از دادستان کل فدرال آلمان می‌خواهد تحقیقات ساختاری درباره جنایت‌های ادعایی علیه بشریت در جریان اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۴۰۴ در ایران آغاز کند.

این مجموعه همچنین دادستان کل فدرال را ترغیب می‌کند مستقیماً با مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران و دیگر سازمان‌های مرتبط جامعه مدنی که این وقایع را مستند کرده و شواهد بالقوه مرتبط با چنین تحقیقاتی را در اختیار دارند، وارد گفت‌وگو شود.

سازمان‌های جامعه مدنی با قربانیان و شاهدان روابطی مبتنی بر اعتماد برقرار کرده‌اند، مستندات گسترده‌ای درباره وقایع و عاملان مظنون فراهم آورده‌اند و از دانش زمینه‌ای و تخصص فنی لازم برای پشتیبانی از تلاش‌های تحقیقاتی برخوردارند.

مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران آمادگی خود را برای همکاری با مقامات آلمانی اعلام می‌کند؛ از جمله با تسهیل دسترسی به اطلاعات مرتبط و در موارد مقتضی و مشروط به رعایت تضمین‌های لازم و کسب رضایت آگاهانه منابع، با حمایت از ارتباط با قربانیان و شاهدان.

این همکاری به مقامات آلمانی امکان می‌دهد تحقیقات خود را بر مستندات گردآوری‌شده بنا کنند و هم‌زمان اطمینان حاصل کنند که شواهد مطابق با الزامات رسیدگی‌های کیفری آینده حفظ و تکمیل می‌شوند.



HUMAN RIGHTS ACTIVISTS (IN IRAN)

